

«کاویانی» راهی فردوس شد



تصویری ببیند به من رنگ می‌زد و می‌گفت تو تئاتر نداری؟ در حالی که تصدیق کاری را شروع می‌کردم می‌فگفتند تئاترهایت را بگذار برای وقتی که ما بیکار بودیم. او در این اواخر دوست نداشت کسی‌ او را ببیند و همیشه از طریق همسرش یا او صحبت میکردم اما یک ماه قبل همسرش گفت می‌خواهد با تو صحبت کند. البته من چندان متوجه

نشدم چه می‌گفت ولی مدام به او گفتم که صحنه منظر توست. در بخشی دیگر اسفندیار اختیاری، نماینده ایرانیان زرتشتی مجلس نیز گفت: به ایران این مرز پرگهر هرود می‌فرستم و نیز درود می‌فرستم به هنرمندان ایران و روان‌شاد استاد فردوس کاویانی که یک ایرانی زرتشتی بود، اما هم نداشت. (اشاره به توبیت اهانت‌آمیز یکی از مجریان

بیش از نیم قرن پیش، پیشنهاد تأسیس یک فرستنده تلویزیونی برای تصویب به مجلس شورای ملی رفت و مجلس در تیرماه ۱۳۳۷ قانونی یک ماده‌ای برای تأسیس فرستنده تلویزیونی زیر پوشش وزارت پست و تلگراف و تلفن را تصویب کرد.

به گزارش فارس تلویزیون در کنار سینما از همان ابتدا از پدیده‌های عصر جدید به شمار می‌رفت و باعث می‌شد تا این بار تصاویر متحرک رفته رفته پای خود را به فضای خانواده‌گی باز کند. تلویزیون در دوره رشد خود در سال‌های دهه ۱۹۴۰ و دهه ۱۹۵۰ آنجان جذابیت داشت که لقب «جعبه جادو» را به آن اختصاص دادند و در مدت زمان کوتاهی از اختراع آن، در متن زندگی روزمره مردمان سراسر جهان رواج پیدا کرد. مارشال مک لوهان بود که از تلویزیون به عنوان رسانه‌ای هوشمند یاد می‌کرد. او در میان وسایل ارتباط جمعی برای تلویزیون نقش ویژه‌ای قائل بود، آن را پرستشگاه و امواج فرستنده‌ها را بشارت الکترونیک نام نهاد.

بیش از نیم قرن پیش بود که پیشنهاد تأسیس یک فرستنده تلویزیونی برای تصویب به مجلس شورای ملی رفت و مجلس در تیرماه ۱۳۳۷ قانونی برای تأسیس فرستنده تلویزیونی زیر پوشش وزارت پست و تلگراف و تلفن را تصویب کرد.

به این ترتیب بود که فرستنده‌ای که تا شعاع ۵۰ کیلومتری را پوشش می‌داد، در محل فعلی شبکه دو در انتهای خیابان لوند نصب شد و حالا ایران پس از عراق دومین کشور منطقه بود که صاحب تلویزیون می‌شد. همراهِ ۱۳۳۷ «تلویزیون ایران» رسماً شروع به کار کرد. در سال ۱۳۴۰ بود که فرستنده دیگری در آبادان و یک فرستنده تقویتی در اهواز نیز تأسیس شد. سازمان رادیو و تلویزیون نیز سال ۱۳۴۵ تأسیس شد و همان سال با امکاناتی ساده پخش برنامه‌های آزمایشی را تحت عنوان «تلویزیون ملی» آغاز کرد.

برنامه‌های «تلویزیون ایران» در ابتدای فعالیت آن هر روز از ۶ تا ۱۰ شب پخش می‌شد اما رفته رفته با اضافه شدن آگهی‌های تجارستی و تبلیغاتی و افزایش درآمد‌ها، به ساعات پخش آن نیز افزوده شد. قابلیت‌های «تلویزیون ایران» در حوزه تأثیرگذاری بر افکار عمومی باعث شد تا حکومت پهلوی تأسیس یک شبکه تلویزیونی با پوشش گسترده در سراسر کشور را در دستور کار قرار دهد و

نام علی دایی را که حذف می‌کنیم چه می‌کنیم؟

در ظاهر و با نگاهی ساده‌انگارانه شاید حذف دو کلمه باشد: «علی دایی» اما در اصل، سانسور بخشی از تاریخچه و اعتبار فوتبال ایران است. حذف این نام از کلام اسطوره‌های دیگر به نام «علی پروین»، در حالی که یکی از بخش‌های خبری صداوسیما شکل گرفته و در ساعات اخیر در فضای مجازی دست به دست می‌شود که بی‌شک این رویکرد، اصلی اساسی به نام «اعتمادسازی مخاطب» که پیمان جبلی به آن تاکید می‌کند هدف قرار می‌دهد.

سرمرهی پیشین تیم ملی فوتبال ایران که مدتی است از فضای فوتبال دور است، بی‌شک یکی از بنام‌ترین چهره‌های فوتبالی کشورمان است. بر این اساس در مصاحبه‌ای که به انگیزه جشن تولد علی پروین و محمد خوردین در یکی از تمرین‌های تیم فوتبال پرسپولیس برگزار شد، علی پروین نام علی دایی را در ابتدای فهرستی از بزرگان فوتبال ایران و اسامی چون کریم باقیری، خداداد عزیزی و فرهاد مجیدی قرار می‌دهد؛ اما این کلام قطعید شده و در شرایطی که بسیاری از رسانه‌های مکتوب و تصویری به انتشار کامل صحبت‌های مرد سابقه فوتبال پرسپولیس پرداخته‌اند، در یکی از مصاحبه‌های خبری صداوسیما نام علی دایی حذف می‌شود! در پی این اتفاق، برخی رسانه‌ها با قرار دادن فیلم اصلی در کنار آنچه از تلویزیون پخش شد، به رویکرد سلیقه‌یی رسانه ملی در قبال حذف نام «علی دایی» واکنش نشان داده و با طرح این پرسش که «چرا نام علی دایی هم حذف کردید؟»، سعی در شفاف‌سازی داشتند.

تا لحظه انتشار این گزارش، پاسخی از سوی سازمان صداوسیما درباره دلایل این تصمیم و مجرای تصمیم‌گیرنده اعلام نشده است، اما از آنجا که رییس فلی، خود از قدیمی‌های رسانه ملی در عرصه خبر و

از «تلویزیون ملی» تا «رسانه ملی»

۶۵ سالگی «جعبه جادو» در ایران

پس از تصویب طرح «تلویزیون ملی ایران»، یک فرستنده کوچک به وجود آمد که امکان استفاده از این شبکه را برای همه دارندگان تلویزیون با سیستم‌های مختلف، امکان‌پذیر می‌کرد.

برنامه‌های تلویزیون ایران در آن زمان بیش‌تر شامل برنامه‌های سرگرم‌کننده بود. سپس یک گروه فرانسوی مأمور بررسی و طراحی یک مرکز تلویزیونی با امکاناتی ساده‌ شد و پخش برنامه‌ها آزمایشی «تلویزیون ملی» را در سال ۱۳۴۵ آغاز کرد.

مدتی بعد و در مردادماه سال ۱۳۴۷ نخستین مرکز استانی تلویزیون ملی در ارومیه تأسیس شد و پس از آن نیز مرکز تلویزیونی بندرعباس کار خود را آغاز کرد. پس از آن مراکز تلویزیونی در تبرج در شهرهای مختلف کشور شروع به فعالیت کردند و برنامه‌های تلویزیون ملی را در ابعاد گسترده‌تری رواج می‌دادند. در سال ۱۳۵۰، ساختمان تولید به عنوان اولین ساختمان رادیو و تلویزیون ملی در اراضی چند هکتاری محوطه جام‌جم ساخته شد و از این پس محل پخش برنامه‌ها در ساختمان جام‌جم، در خیابان ولیعصر بود. ساختمان تولید جام‌جم طراحی شده توسط جهانگیر درویش، بنای بلندمرتبه با جزئیات فراوان بتنی از نخستین بناهای ساخته شده برای سازمان صداوسیمای کشور است.

از همان ابتدای فعالیت سازمان رادیو و تلویزیون عده زیادی از فیلمسازان جذب آن شدند و در حوزه تولید آثار نمایشی نیز سینماگرانی از جمله علی حاتمئ، ناصر تقوایی، محمد متوسلانی، جلال مقامی یا سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران همکاری کردند. «سلطان صاحبقران» به کارگردانی علی حاتمئ، «دلبران تنگستان» به کارگردانی همایون شهناواز و «دلی جان ناپلئون» به کارگردانی ناصر تقوایی از جمله سرپال‌های شناخته شده آن سال‌ها به شمار می‌رود.

در روزهای منتهی به انقلاب اسلامی ایران و همزمان با حضور امام خمینی (ره) در تهران، بسیاری از کارمندان رادیو تلویزیون علاقمند به دانستن دیدگاه امام

صدا و سیما به زرتشتی بودن فردوس کاویانی (سپس مسعود جعفری جوزانی با حضور در جایگاه گفت: کسانی که دوست داریم، همیشه مانا هستند و انگار هر زمان بخواهی حضور دارند. او تنها کسی بود که هرگز ضعف یا بدی کسی را نزد من نگفت. او بیخودی به این دنیا نیندامه بود بلکه آمده بود تا این دنیا را برای ما قابل تحمل کند. او هنرمند، به معنای واقعی بود که بااتاق‌های گندیده را که به ظاهر دنبال عرفان بودند خشک می‌کرد. اسماعیل خلیج هم در بخشی دیگر با درود فرستادن بر فردوس کاویانی گفت: من اینستاگرامی دارم که حدود ۴۵۰۰ پست دارد و هیچ پستی درباره مرگ نداشتم جز این! آخری که برای فردوس نوشتم «بگذارید گریه کنم برای این مرد نازنین …»

در پاسپان ارمنیتا کاویانی دختر این هنرمند گفت: نامش فردوس بود، در مهر به دنیا آمد و روز قبل از جشن مهرگان به فردوس رفت. بابا فقط بر از مهر و عشق و دوستی بود، اصلا معنی نفرت ودروغ و دشمنی را نمی‌دانست. او عاشق ایران بود، دغدغه‌اش ایران و هموطنانش بود چه داخل کشور و چه ایرانی‌هایی که بیرون از ایران هستند. من سلاهباست ایران را همراه بابا دیدم؛ مخصوصا در این روز و همه با عشق نام پدرم را نگه داشتند. او همچنین از مادرش و عشقی که همواره به پدرش داشت قدردانی کرد. در آخر این مراسم پیکر فردوس کاویانی به سمت آرامگاه زرتشتیان تهران بدرقه شد تا مراسم خاکسپاری در آنجا انجام شود. همایون اسعدیان، قاسم زارع، قطبالدین صادقی، مهدی میامی، اکبر رحمتی، اسماعیل خلیج، رضا بابک، فرزانه کابلئ، عزتالله رفضانی‌فر، منوچهر شاهسوری، حبیب دهقان‌نسب، حسن فتحئ، مهدئ شفیعئ (مدیرکل پیشین هنرهای نمایشی) ، کورش سلیمانی، اتابک نادری، و… از جمله حاضران در این مراسم بودند.

(ره) درباره این سازمان بودند؛ در نتیجه در اولین مصاحبه مطبوعاتی از نقش مطبوعات، رادیو تلویزیون سخن به میان آمد و امام خمینی (ره) در پاسخ به سوال نماینده اعتراضیو رادیو تلویزیون، اظهار داشت: «نظر من درباره رادیو تلویزیون این است که در خدمت ملت باشند و دولتها حق هیچ نظارت ندارند. تاکنون دولت ایران و شاه سابق بر خلاف قواعد بین‌المللی رفتار می‌کردند. ما اصلا این دولت را به رسمیت نمی‌شناسیم تا چه رسد به اینکه دولت حق دخالت در رادیو، تلویزیون و مطبوعات را داشته باشد.»

پس از این مصاحبه و سخنرانی‌های امام در مخالفت با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب ماندن جوانان و از دست دادن نیروی انسانی ملت است و اعلام موافقتش با رادیو تلویزیون بدون فحشا، روز به روز بر تعداد اعتراضیون رادیو تلویزیون ملی افزوده شد.

در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تلویزیون ایران مجموعا دارای دو شبکه بود که رفته رفته در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب بر ساعات پخش و کمیت شبکه‌ها نیز افزوده شد و علاوه بر شبکه‌های سراسری، مراکز استانی سراسر کشور نیز فعال شد.

روند کاری شبکه‌های سازمان صداوسیما تا سال ۱۳۳۳ با دو شبکه به کار خود ادامه می‌یاد تا اینکه در این سال شبکه سه سیما با هدف تزریق جریان تازه‌ای در آنتن سیما تأسیس شد. این شبکه ابتدا با ۴ ساعت پخش برنامه در موضوعات ورزشی و سرگرمی شروع به کار کرد و یک سال بعد به صورت ۲۴ ساعته به پخش برنامه پرداخت. رفته رفته تعداد شبکه‌های تلویزیونی در دوره‌های مختلف مدیریت سازمان صداوسیما رشد یافت تا اینکه مجموع شبکه‌های سراسری، استانی و برون مرزی به بیش از ۶۰ شبکه رسید.

حالا و در آستانه ۶۵ سالگی تأسیس فرستنده‌های تلویزیون در ایران و در شرایطی که تلویزیون در ایران از نظر کمی در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است، اما در دهه اخیر با تلویزیون رشد شبکه‌ها هماهوار‌ه‌ای، شبکه نمایش خانگی، فضای مجازی و تلویزیون‌های اینترنتی و انواع رسانه‌هایی رو به رو شده که به عنوان رقبای جدی در برابر رسانه ملی محسوب می‌شوند. این موضوع باعث می‌شود تا برنامه‌های تلویزیونی بیشتر از گذشته مورد ارزیابی قرار گیرد و به‌صوری مستمر بر اساس سطح کیفی تولیدات موازی آن سنجیده شود.

سینمای کودک می‌تواند راهنمای کودکان ایران برای پیشرفت باشد

پیام مجید زین‌العابدین دبیر سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در آستانه آغاز این رویداد، منتشر شد.

متن پیام مجید زین‌العابدین دبیر جشنواره سی و پنجم فیلم‌های کودک و نوجوان به شرح زیر است:

سیما هنر متعالی و جامعی است که علاوه بر جوجه هنری، تکنیکی و حرفه‌ای، از علوم انسانی و علوم تربیتی نیز الهام گرفته است. سیما امروز مظهر دیپلماسی عمومی و زبان مشترک بین ملت‌ها و ظنر تبادل فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را در ذات و ماهیت خود دارد.

سیما کلید پیشرفت کشور است و سینمای کودک و نوجوان به همین نسبت می‌تواند راهنمای بچه‌های ایران زمین برای نیل در مسیر پیشرفت باشد. شعار جشنواره امسال هم با همین رسالت و نگرش، تنقیح و تهذیب یافت؛ بچه‌ها کمال‌طلب، حقیقت‌جو و آرمان‌خواه هستند و میل صعود به قلّه‌ها را دارند. پرواز به آسمان آرزوها و صعود به دست نیافتنی‌ها، رویای بچه‌هاست. حرکت به سمت قلّه، افکار و شخصیت بچه‌ها را به سوی کمال رشد می‌دهد.

اینک پس از چهار سال فترت از برگزاری این رویداد و به شکل حضوری، چراغ جشنواره فروغ دوباره گرفته و خانه جشنواره بار دیگر سرشار از شور و شوق و هیاهوی کودکان و نوجوانان است که از یک سو اندیشه و خلاقیت هنری سینماگران کودک و نوجوان را به رخ می‌کشد و از دیگر سو نشاط و ذوق دنیای کودکی را در

سرزمین سینما متجلی می‌کند.

قطار فیلم‌های جشنواره در سی و پنجمین ایستگاه برای بیست و سومین مرتبه به اصفهان، شهر زندگی رسیده

به یاد فردوس کاویانی

محدثه واعظی‌پور

منتقد و روزنامه‌نگار

«دهه ۷۰، نه تنها برای جامعه پس از جنگ، که برای سینما و تلویزیون هم، دورانی تازه است. تولید و پخش «همسران»، نماد آشکار ورود به این جهان تازه است، جهانی که زیبایی، جذابیت و تحول را به رسمیت می‌شناسد. محور اصلی این مجموعه، ۲ زوج هستند که اختلاف نظر، درگیری و قهر و اشنستی دارند اما نیخ تسبیح‌شان مهر و محبت و عشقی است که آنها را کنار هم قرار می‌دهد.

غلامحسین لطفی کارگردان سریال «آینه» که در دهه ۶۰ بسیار پربیننده بود، گزینه نخست کارگردانی این سریال و بازی در نقش کمال بود، اما بخت با فردوس کاویانی بود و این نقش به او رسید. سریال «همسران» دیده شد و کمال و مهین (مهرانه مهین‌ترابی) به محبوبیتی غریب دست یافتند. در فضای فانتزی سریال، کمال، با حرکات غلو شده دست‌ها و چشم‌ها و سادگی و خلوص، سنیمایی متفاوت از مرد ایرانی می‌ساخت. مرد ایرانی که در سریال‌های دهه ۶۰ یا پدر و پدربزرگ (مشیت) بود یا مرد مدرن و تحصیل‌کرده یا مستبد و قلد ر (منفی). کمال، تصویر جدیدی بود. نه شبیه ستاره‌ها زیبا و جذاب بود، (ظاهری کاملا معمولی داشت). متعلق به طبقه متوسط و تحصیل‌کرده بود، در عین حال فرزند نداشت و گاهی با همسرش لجبازی می‌کرد. این تصویر، توأم با سادگی دوست داشتنی بود. و ویژه برای ما که اجزاهای تئاتر او را ندیده بودیم و تصویرمان محدود به درخشش در نقشی کوتاه در «چارمنشین‌ها» بود.

پس از «همسران» مهراوه مهین ترابی و کاویانی، مورد توجه قرار گرفتند، اما کارنامه سنیمایی هیچ کدام (به جز حضور در «سگ کشی» بهرام بیضایی) پس از «همسران» قابل توجه نیست. کاویانی در «آژانس دوستی»، بیشتر دیده شد. صمیمی و ساده و بی‌تکلف، نقش را زندگی می‌کرد، او که پیشتر نشان داده بود، برای بازی در نقش جدی و کمدی مناسب است. طنز را می‌شناسد و اندازه بازی را نگه می‌دارد. در «بانو»، نقش منفی بازی کرده بود و در «سگ کشی»، نقشی پیچیده، در سال‌های پس از «همسران»، زیر سایه محبوبیت آن نقش باقی ماند. نسل بازیگران تغییر کرده بود و کاویانی، معمولا در حاشیه‌ها اما همواره محترم و محبوب ماند.

پیری و مرگ، همسایه‌اند. فرقی نمی‌کند از کدام در و در کدامین روز از سال از راه برسند. برای راه بود. گاهی تصویر بی‌خبری منتشر می‌شد، اما آنچه او را در ذهن حفظ می‌کرد پخش‌های مکرر «همسران» و «آژانس دوستی» بود.

امروز فردوس کاویانی به خانه ابدی رفت، ولی کمال لطفی هنوز می‌خندد و چشم‌های گرد شده از تعجبش را به مهین می‌دوزد، مش مهدی در خانه شبلیس آقا (عزتالله انتظامی) به رقص قدی (اکبر عبدئ) نگاه می‌کند و جوشش پی دستمزد کارگزارهاست، تابان پور، هنوز نقش بازی می‌کند تا گلرغ، مستاصل و درمانده به ناصر فکر کند … زندگی فردوس کاویانی در نقش‌هایش تداوم دارد. روخش شاد.مهر ■ مهر

معرفی کتاب

«روان‌شناسی موسیقی» در بازار نشر

«روان‌شناسی موسیقی» نوشته سوزان هلم با ترجمه سهند سلطاندوست از سوی انتشارات ققنوس منتشر شد.

به گزارش تسنیم، «روان‌شناسی موسیقی» نوشته سوزان هلم با ترجمه سهند سلطاندوست دومین عنوان از مجموعه «روان‌شناسی همه‌چیز» انتشارات راتلج است. پیش از این انتشارات ققنوس جلد نخست این مجموعه را با عنوان «روان‌شناسی هنر» منتشر کرده بود.

کتاب حاضر، یکی از زیرشاخه‌ها یسا بخش‌های مجاور و مرتبط با روان‌شناسی موسیقی، یعنی موسیقی‌درمانی است و تلاش دارد بتواند خلأیی مهم را به سهیم خود در زمینه و خاستگاه روان‌شناسی موسیقی پر کند و پوشش دهد.تحقیقات در حوزه روان‌شناسی موسیقی نشان می‌دهد که ذات هر شخص دقیقا با فهرست مورد علاقه موسیقی او ارتباط دارد برای بسیاری از آدم‌ها همواره این سوال پیش می‌آید از نظر درونی برون‌گرا یا درون‌گرا هستند؟ یکی از راه‌های ساده‌ای که بسیار علمی و تأیید شده است، استفاده از روانشناسی موسیقی می‌باشد. قبل از اینکه بتوانید به ذات خود پی ببرید ابتدا باید معنی و مفهوم روانشناسی موسیقی بدانید. روانشناسی موسیقی در مورد چگونگی اثرات موسیقی بر رفتار و تجربیات ما در دو مقیاس فردی و اجتماعی مطالعه می‌کند. سلطاندوست در مقدمه خود بر این کتاب می‌نویسد: «کتاب حاضر در رویکرد نوین تجربی به علم روانشناسی و عمدتاً در چارچوب عصب روانشناسی شناختی تألیف شده است...یکی از زیرشاخه‌ها یا بخش‌های مجاور روانشناسی موسیقی و مرتبط با آن یعنی موسیقی‌درمانی امروز در پهنه علمی عمومی یا حتی شبهه علمی خود ما ایرانی‌ها هم بنا قبالی درخور توجه مواجه شده است و تا جایی که از دور و نزدیک دیده و در جریان بسوده‌ام، اقداماتی در آن صورت گرفته است و می‌گیرد.

«روان‌شناسی موسیقی» به قلم سوزان هلم و ترجمه سهند سلطاندوست به همت نشر ققنوس با قیمت ۱۱۰ هزار تومان در ۱۶۵ صفحه منتشر شده است.